

یک شعر

زیر نظر: بابک نیک طلب

زنگ آغاز بهار

آفتاب مهربان
تاج گل بر سر زده
فصل تابستان گذشت
نوبت مهر آمده

کیف‌های پر کتاب
کفش‌های بی‌قرار
می‌رسد از نو به گوش
زنگ آغاز بهار

خسته از خواب و خیال
خسته از خمیازه‌ام
می‌وزد بوی بهار
از کتاب تازه‌ام

توی باغ مدرسه
های و هوی دوستی
دست‌های ما پر از
رنگ و بوی دوستی

آشنایی‌های نو
دوستی‌های قدیم
کیف و کفش من کجاست؟
مدرسه، ما آمدیم.

قیصر امین پور

بیت‌های عاشقانه

ابرها کنار هم ردیف می‌شوند
آسمان به فکر شعر گفتن است
خوش به حال آسمان
که شعر گفتنش
مثل آب خوردن است
با نگاه او

چشمه‌ها پر از ترانه می‌شوند
غنچه‌های سرخ گل کنار هم
بیت‌های عاشقانه می‌شوند.....

مریم هاشم پور

آسمان خط خطی

یک پرنده
زرد و زیبا
بال‌های کوچکش را باز ...
در هوا پرواز ...

آسمان را
با دو بالش
خط کشید و خط کشید
آن پرنده را ولی کسی ندید

آن پرنده
کو؟
کجا؟
چه شد؟
در جهان خط خطی
مشق او
آسمان خط خطی.

اسدالله شعبانی

سلام

آواز پرنده وقت پرواز، سلام!
پیغام شکوفه‌ای که شد باز: سلام
آغاز تمام کارها نام تو است
ای نام تو بهترین سرآغاز، سلام!

لبخند تو

شب آمده است و آسمان
مال من است
ماه و همه ستارگان، مال من است
در خانه بخند، مثل خورشید از مهر
لبخند تو یعنی که جهان،
مال من است

کوچ

تابستان رفت و باز آمد پاییز
با مستی توت خشک و انجیر و مویز
در کوچه برای دل خود چلچله‌ای
می‌خواند که فصل کوچ آمد بر خیز

بابک نیک طلب

فکر رنگارنگ

بین یک مشت فکر رنگارنگ
تو فقط توی ذهن من ماندی
چون بدون اجازه در چشمم
حرف‌های دل مرا خواندی

پس چرا قهر کرده‌ای حالا
رفته‌ای و نمی‌برد خوابم
راه رفته تمام شب، غصه
مثل خرچنگ، روی اعصابم

دل من نازک است، می‌فهمی؟
مثل تَنگ بلور حساسم
آشتی کن و گرنه می‌پاشد
روی تو تکه‌های احساسم

مریم اسلامی

برکه

توی فکر برکه‌ای هستم
برکه‌ای که روز و شب تنهاست
برکه‌ای که پشت آن کوه است
برکه‌ای که توی این صحراست

در دهانش گل و لجن دارد
در صدایش سکوت مшти سنگ
مثل یک زنگ، توی گوش اوست
قور قورباغه‌های بد آهنگ

روز و شب در خیال خود مانده
برود، هم سفر شود با رود
پا به پای تمام ماهی‌ها
سرکند زیر آب‌های کبود

رفته از یاد دیگران، برکه
در سکوت شبانه‌اش تنهاست
گر چه تکرار می‌شود در خود
فکر امواج آبی دریاست.

اسماعیل الله‌دادی